

متخصص امور انسانی کیست؟ چرا انسان به یک متخصص نیازی مداوم دارد؟

چرا به وجود متخصص امور انسانی نیازی مداوم داریم؟

لزوم استفاده از اصل اصالت تخصص را با هم بررسی کردیم و گفتیم که ما در مواجهه با تمام پدیده‌های نو سراغ سازنده یا متخصص آن پدیده می‌رویم و هرچه وسیله مورد نظرمان قیمتی‌تر، پیچیده‌تر، کمیاب‌تر و حساس‌تر باشد نیاز ما به استفاده از این اصل مهم بیشتر و ضروری‌تر است. ما از خودمان تنها و تنها یک نمونه داریم و هم‌چنین تنها یک‌بار فرصت زندگی کردن در اختیار ماست. اما آیا با این عمر محدودی که در اختیار داریم، اساساً توان و فرصتی برای امتحان کردن تمام تئوری‌های انسان‌شناسی ارائه شده در مکاتب مختلف بشری برایمان وجود دارد؟

عمر کوتاه ما به ما فرصتی برای انجام آزمون و خطا برای رسیدن به تعریف درستی از انسان نمی‌دهد و اصولاً این نه امکان دارد و نه عقلانی است، که با ارزش‌ترین چیزی را که در اختیار داریم، به دست آزمایش بسپاریم؛ در نتیجه عقلانی‌ترین کار در این زمینه هم مانند تمام شئون دیگر زندگی استفاده از اصل اصالت تخصص است، همان اصل و قانونی که آن را در مورد ساده‌ترین کارهای زندگی روزمره‌مان به کار می‌بریم. طبق این اصل فقط و فقط سازنده ما شایستگی و استحقاق این را دارد که تعریفی از حقیقت وجود ما ارائه کند، کمال هر یک از ابعاد وجودی مان را مشخص کند، هدف اصلی خود را از به وجود آوردن مان گوشزد کند و اگر در زندگی اشتباهی کردیم و مسیری را به خطا رفتیم، مسیر درست و طریقه بازگشتن به آن را به ما بیاموزد.

در حقیقت، تنها متخصص امور انسانی می‌تواند از ما تعریف درست و کاملی ارائه بدهد؛ چون تنها اوست که اولاً از نقطه آغاز پیدایش ما آگاه است، ثانیاً از شرایط و نیازهای فعلی ما مطلع است و در نهایت از سرانجام و هدف غایی و نهایی حیاطمان که تضمین‌کننده آرامش و شادی ابدی مان است، آگاهی دارد.

به عبارت دیگر تنها کسی شایستگی ارائه نظر خود پیرامون انسان و چیرستی او را دارد که بدانند از کجا آمده‌ایم، در کجا هستیم و به کجا می‌رویم. داشتن آگاهی کامل و دقیق از این سه مرحله است، که به یک فرد این شایستگی را می‌دهد تا نسبت به

چیزی اظهار نظر کرده و آن را معرفی کند. به این ترتیب به غیر از سازنده ما و نماینده‌های مورد اعتماد او هر کس که خود را متخصص امور انسانی معرفی کرده و تعریفی از انسان ارائه دهد، یا به اشتباه رفته و یا تعریفش ناقص است. چون عقل و دانش بشری هیچ‌وقت نتوانسته و نمی‌تواند بر همه جنبه‌های وجودی ما، از ابتدای پیدایش تا زندگی دنیا و سرانجامی که بعد از مرگ در انتظارمان است، تسلط پیدا کند.

دسترسی به تعریف خدا از انسان

با قبول کردن این اصل در مورد انسان و شیوه زندگی‌اش این سؤال مطرح می‌شود، که چه‌طور باید در حال حاضر به تعریفی که خدا از محصول و مخلوقش یعنی انسان ارائه می‌دهد، دسترسی داشته باشیم؟

در بررسی‌های گذشته متوجه شدیم که خدا معشوق اصلی ماست و ما را برای شباهت به خودش راهی دنیا کرده است. در طول تاریخ هزاران پیامبر را برای همین امر مأمور کرده، تا ما در زندگی خود از راهنمایی متخصص بی‌بهره نباشیم و راه را گم نکنیم. رهبرانی معصوم که متصل به منبع علم الهی و به تعبیری تربیت شده خدا هستند، تا به طور مستقیم در بین مردم باشند و آنها را هدایت کنند.

بنابراین و با توجه به اصل اصالت تخصص در مورد انسان و سایر امور ما در هیچ کاری بی‌نیاز از استاد، راهنما و متخصص نیستیم و در مورد پیدا کردن پاسخ درست برای [مهم‌ترین سؤالات زندگی ما](#) از قبیل این که انسان چیست، از کجا و چرا آمده و در نهایت چه سرانجامی خواهد داشت، بیشتر از هر موضوع دیگری به یک متخصص امور انسانی یا معصوم معرفی شده از سمت خداوند محتاجیم. در واقع فقط چنین کسی است که می‌تواند پاسخ درست و کاملی به این پرسش‌های اساسی و سرنوشت ساز ما بدهد.

متخصص امور انسانی در زمانه حاضر

شاید این سؤال مطرح شود که حالا که پیامبران الهی از سوی خدا به‌عنوان متخصصان امور انسانی و امر هدایت معرفی شده‌اند، اکنون که پیامبری در بین ما نیست تکلیف ما چه خواهد بود؟ البته در حقیقت نبود پیامبر به این معنی نیست که دنیا از متخصص معصوم خالی خواهد بود، بلکه هدایت الهی به‌وسیله افرادی که آنها هم از طرف خدا منصوب و معرفی شده‌اند، ادامه دارد و ادامه خواهد داشت.

در واقع همان‌طور که امکان ندارد پدر و مادر با تدبیری کودک نوپای خود را بدون توجه رها کنند، امکان ندارد معشوق بی‌نهایتی که صاحب تمام کمالات بوده و تمام جهان را با نظم و ریاضیات دقیقی آفریده است، ما را به حال خود رها کرده باشد. اما از آنجا که ما نمی‌توانیم اطلاعات تخصصی مورد نیازمان را به‌طور مستقیم از خدا دریافت کنیم، به یک متخصص امور انسانی مورد تأیید خداوند که اطلاعات تخصصی مربوط به ما را بی‌هیچ کم و کاستی در اختیارمان قرار دهد، نیاز داریم. چون اساساً ساختار حرکت ما به‌عنوان یک انسان ساختاری قدرتمند و پیچیده بوده و هیچ‌وقت بی‌نیاز از وجود یک متخصص نیستیم. در واقع اگر ما گمان کنیم که خدا ما را به حال خود رها کرده، در وجود و قابلیت‌های معشوق بی‌نهایت خود دچار اشتباه شده‌ایم.

ما در این مقاله به اهمیت رجوع به متخصص در امور مربوط به انسان پرداختیم. گفتیم تنها کسی می‌تواند به تعریف درستی از انسان برسد که بداند او از کجا آمده، در کجا هست و به کجا می‌رود. ویژگی‌ها و نیازهای انسان به‌عنوان پیچیده‌ترین موجود خلقت به‌گونه‌ای است که نیاز همیشگی به متخصص امور انسانی برایش اجتناب‌ناپذیر است و از آنجا که نمی‌تواند اطلاعات تخصصی مورد نیازش را به‌طور مستقیم از خدا دریافت کند، نیاز به متخصصی دارد که مورد تأیید خداست.

نظر شما درباره نیازها و ویژگی‌های انسان چیست؟ به نظر شما آیا هر کسی می‌تواند در جایگاه متخصص امور انسانی قرار بگیرد؟